



Educational Needs Assessment for Rehabilitation Management Curriculum: A Content Analysis

Banafsheh Ebrahimi barmi¹, Mohammadali Hosseini^{2*}, Sepahdar Dezhman³, Mohammad Pourebrahimi⁴

1.MSc. in Rehabilitation Management, Department of Rehabilitation Management, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

2.Associated professor, Department of Rehabilitation Management, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

3.MSc. in Rehabilitation Management, Department of Rehabilitation Management, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

4. PhD Student of Nursing, Department of Nursing, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Received: 2018/08/12

Accepted: 2019/02/07

Keywords:

Educational needs assessment, Curriculum, Rehabilitation management, Master science

Baqiatallah
University of Medical
Sciences

Abstract

Introduction: The rehabilitation management's master science educational program has been revised many years ago, but due to time and technological changes, the review of this program seems necessary. The aim of the study was to content analysis study for assessing the educational needs of rehabilitation management's educational program among students, graduates and professors of the University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences in 2018.

Methods: It was a conventional content analysis study. Data were gathered by semi structured interview with 15 rehabilitation management faculty members, students and graduates.

The interviews were conducted with the permission of the participants to record and word-by-word writing and analyzed based on Graneheim content analysis method.

Results: The findings included 628 open codes which were condensed to the 11 sub categories and 3 main categories. The three main categories included: "Policy review" with the subcategories: "Need assessment before curriculum development", "Focus on scientific advancement of graduates", "Integration of disabled people activities", "Strategic approach to research In this field" and "the necessity of redefining the reason for the existence of the major". Another main category was "Change in content" with the following sub-classes: "need to revisit the contents of the course", "attention to sociological characteristics", "the content of the curriculum is holistic" and the last main category was "Educational needs changing" with the subcategories "specialized education system", "attention to quality and quantity of education", and "change in educational curriculum".

Conclusions: The findings showed that the participants believed that the curriculum of rehabilitating management major should be review and revised in three main categories including the policy, change in content and educational needs.

نیازسنجی آموزشی رشته کارشناسی ارشد مدیریت توانبخشی: تحلیل محتوا

بنفشه ابراهیمی برمی^۱، محمدعلی حسینی^{۱*}، سپهدار دژمان^۱ و محمد پورابراهیمی^۲

۱. گروه مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

۲. گروه پرستاری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: محمدعلی حسینی، گروه مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. تلفن: ۰۲۱(۹۸۸۰۱۳۲)۲۲۱۸۰۱۳۲،

ایمیل: mahmaimy2020@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

چکیده

مقدمه: برنامه آموزشی رشته مدیریت توانبخشی سال‌ها پیش مورد بازنگری قرار گرفته است و با توجه به گذشت زمان و تغییرات فناوری، بازبینی این برنامه ضروری به نظر می‌رسد. پژوهشگر بر آن شد تا با انجام مطالعه‌ای با هدف تبیین نیازهای آموزشی رشته کارشناسی ارشد مدیریت توانبخشی در دانشجویان، دانش‌آموختگان و اساتید دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۹۷ به این نیاز پاسخ دهد.

روش: در این مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوای قراردادی تعداد ۲۱ نفر از اساتید، دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مدیریت توانبخشی مشارکت نمودند. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد. مصاحبه‌ها با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط و کلمه به کلمه پیاده شده و با روش تحلیل گرانهایم تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از این پژوهش شامل ۶۲۸ کد اولیه بوده که در نهایت با ادغام کدهای اولیه ۳۴ کد نهایی، ۱۱ زیرطبقه و در ۳ طبقه اصلی ارائه گردید؛ که طبقه اصلی «بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها» شامل زیر طبقه‌ها: «نیازسنجی قبل از تدوین برنامه درسی»، «توجه به ارتقای علمی دانش‌آموخته‌ها»، «یکپارچه کردن فعالیت‌های مرتبط با معلولین»، «نگاه راهبردی به امر پژوهش در این رشته» و «لزوم بازتعریف چرایی وجود رشته» و طبقه اصلی «بازنگری در محتوا» با زیر طبقه‌ها: «نیاز به بازنگری در محتوای دروس»، «توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی»، «محتوای برنامه آموزشی کل‌نگر» و طبقه اصلی «تغییر نیاز آموزشی» زیر طبقه‌ها: «تخصصی شدن سیستم آموزشی»، «توجه به کیفیت و کمیت آموزش» و «تغییر در برنامه آموزشی» را شامل شد. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها نشان داد مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باورند که برنامه درسی رشته مدیریت توانبخشی بایستی در سه حوزه سیاست‌گذاری، محتوا و تغییرات نیاز آموزشی مورد بازبینی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:
نیازسنجی آموزشی، برنامه درسی، مدیریت توانبخشی، کارشناسی ارشد

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) محفوظ است.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با عبارت دیگر مسائل و مشکلات گروه هدف، به طور واقعی، با کمک خودشان بررسی و شناسایی می‌شود (۳). برنامه‌ریزان آموزشی در سراسر جهان و در تمامی سازمان‌هایی که با آموزش سروکار دارند، ناگزیرند برای تدوین برنامه‌ها و طرح‌های آموزشی خویش، دلایل قانع‌کننده‌ای داشته باشند. فعالیت‌های آموزشی که بدون توجه به این شرایط طراحی و اجرا شوند، در واقع نوعی اتلاف منابع خواهند بود (۴). در پژوهشی که کریمی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «نیازسنجی آموزش مداوم حرفه‌ای دانش‌آموختگان مدیریت

در پنجاه سال اخیر، بهبود کیفیت آموزشی و مراعات استانداردهای آموزشی و پژوهشی در آموزش عالی از سوی همه کشورهای به‌ویژه کشورهای پیشگام در آموزش عالی مورد توجه جدی قرار گرفته است (۱). اولین گام مؤثر در اثربخشی هر آموزشی، نیازسنجی آموزشی است. زیرا اهداف، ملاک‌ها و طرح هر برنامه آموزشی، همگی از تحلیل نیازها سرچشمه می‌گیرد. انجام نیازسنجی دقیق در تدوین اهداف آموزشی و طراحی برنامه آموزشی نقش مفید و مؤثر ایفا می‌نماید (۲). نیازسنجی روشی است که توسط آن، نیازها

روش

پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی از نوع تحلیل محتوای قراردادی بود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل کلیه دانشجویان و دانش‌آموختگان و نیز اساتید گروه‌های مدیریت توانبخشی بودند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. معیار ورود به پژوهش مبتنی بر مطالعات کیفی، داشتن تجربه در مورد پدیده مورد مطالعه، پذیرش همکاری با پژوهشگر و توان ارائه اطلاعات بوده است. معیار خروج به هر دلیلی که شرکت‌کننده از ادامه همکاری انصراف دهد، بوده است. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند استفاده شد. مصاحبه‌ها با جلب رضایت مشارکت‌کنندگان و تعیین وقت قبلی و محل مناسب از نظر شرکت‌کنندگان (دانشجویان، دانش‌آموختگان و اساتید رشته مدیریت توانبخشی) انجام شد. مصاحبه‌ها با سؤال کلی آغاز شد و سؤالات تکمیلی در ادامه پرسیده شد. از جمله سؤالات مصاحبه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: با عنایت به تجربه شما نیازهای آموزشی رشته مدیریت توانبخشی شامل چه مواردی است؟ کدام محتواها نیاز به بسط بیشتر و برعکس کدام نیاز به تقلیل داشته است؟ در مورد ضرورت واحدهای مختلف توضیح دهید؟ برای تحلیل داده‌ها از روش گرانهایم و لاندمن استفاده شد. این روش شامل مراحل پیاده کردن کلمه به کلمه مصاحبه‌ها و چندین بار مطالعه کردن آن‌ها برای به دست آوردن احساس کلی؛ تقسیم متن به واحدهای معنایی خلاصه شده؛ انتزاع واحدهای معنایی خلاصه شده و برچسب زدن توسط کدها؛ تفکیک کدها در زیرطبقه‌ها با مقایسه آن‌ها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان و تنظیم طبقات به عنوان نشانگر محتوای پنهان متن می‌باشد^(۷). برای مقبولیت داده‌ها^۱ دست‌نوشته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان^۲ از جهت رفع هر گونه ابهام در کدگذاری مرور و تأیید شد. برای قابلیت تعیین و تأیید^۳ نیز با جمع‌آوری سیستماتیک داده‌ها و با رعایت بی طرفی محققان، توافق اعضا^۴ روی مصاحبه‌ها، کدها و دسته‌بندی کدهای مشابه و طبقات برای مقایسه بین آن‌چه که محقق برداشت نموده با آن‌چه که منظور مشارکت‌کنندگان بوده است استفاده شد.

خدمات بهداشتی درمانی» انجام دادند، نیاز آموزشی دانش‌آموختگان را در سه حیطه فنی و عملیاتی، ادراکی و انسانی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که نیاز فنی با میانگین ۳/۴۷ بالاترین نیاز دانش‌آموختگان بوده است که در این حیطه نیاز به آشنایی با استفاده و کاربرد نرم‌افزارهای رایانه‌ای بالاترین نمره را به خود اختصاص داده است، که لازم است برنامه‌ریزان آموزشی در تنظیم برنامه سالیانه این را مدنظر قرار دهند (۳).

از آنجایی که نیازهای جامعه به طور مداوم در حال تغییر است و پیشرفت علوم به گونه‌ای است که نیمه عمر علوم را شش ماه عنوان کرده‌اند، آموزش نیروی انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که حساسیت امور مربوط به سلامت مردم بر ضرورت آن می‌افزاید. از طرفی منابع موجود در بخش بهداشت و درمان به خصوص در رابطه آموزش محدود است، لذا نیاز به تعیین اولویت برای برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های مورد نیاز آموزشی بنا بر نظر مسئولین، مدیران و دست‌اندرکاران بهداشت و درمان در استان کاملاً ضروری و از اهمیت خاصی برخوردار است (۵). هم‌چنین با توجه به حساس و مهم بودن نقش برنامه‌های آموزشی در ایفای بهتر نقش‌ها و وظایف مورد انتظار و هم‌چنین جهت تحقق بخشیدن به اهداف و رسالت‌های آموزش عالی، متخصصین، انجام پژوهش‌های متعدد را برای چگونگی بررسی و شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه آموزشی ضروری می‌دانند (۶). قناعتیان و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود ضرورت بازنگری در نحوه پذیرش دانشجو و برنامه آموزشی رشته مدیریت توانبخشی را پیشنهاد کردند و هم‌چنین با توجه به آن‌که از اولین بازبینی برنامه آموزشی رشته مدیریت توانبخشی بیش از ۵ سال گذشته و در این مدت تغییرات زیادی در مبانی علمی رشته اتفاق افتاده و هم‌چنین هدف و رسالت این رشته قبل از سال ۸۷ تربیت دانش‌آموختگان به عنوان مدیران اجرایی برای کار در سازمان بهزیستی و دیگر سازمان‌های متولی بوده، با تغییر مداوم نیازهای جامعه و گسترش این رشته، بازبینی مجدد این برنامه آموزشی بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد. لذا پژوهشگران در پاسخ به این نیاز بر آن شدند تا نیازهای آموزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان را که باز خوردی مناسب از برنامه بازنگری شده است را سنجش نموده و از نتایج آن در جهت بازبینی اهداف و رسالت دوره و ارتقای کیفیت آموزش این رشته آموزشی استفاده شود.

1. credibility
2. member check
3. confirmability
4. peer check

بین مشارکت‌کنندگان ۱۲ نفر (۵۷ درصد) مرد و ۹ نفر (۴۳ درصد) زن بودند. بیشترین بازه سنی شامل ۲۶ سال تا ۳۵ سال بود و ۱۶ نفر (۷۶ درصد) با برنامه آموزشی آشنایی زیادی داشتند (جدول ۱). حاصل تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، تعداد ۳۴۸ کد اولیه یا باز بود که با یکسان کردن موارد مشابه و تکراری و ادغام این کدها بر اساس هم‌پوشانی به تعداد کمتری تقلیل یافتند. تحلیل کلی‌تر، کدها بر اساس ویژگی‌های مشترک طبقه‌بندی شدند. حاصل این مرحله ظهور ۳۴ کد نهایی، ۱۱ زیرطبقه و ۳ طبقه اصلی شامل «بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها»، «بازنگری در محتوا» و «تغییر نیاز آموزشی» بود (شکل ۱).

اصول اخلاقی در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه به صورت کتبی از مشارکت‌کنندگان جهت شرکت در مطالعه، ضبط مصاحبه ضمن حفظ بی‌نامی و رازداری و اختیار آنان برای ترک مطالعه رعایت شد. انجام این پژوهش با کد اخلاق IR.USWR.REC.1395.268 توسط کمیته اخلاق دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته‌ها

در این مطالعه تا اشیاع داده‌ها ۲۱ مصاحبه انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۶ عضو هیئت‌علمی، ۱۱ دانشجو و ۴ دانش‌آموخته بودند. از

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

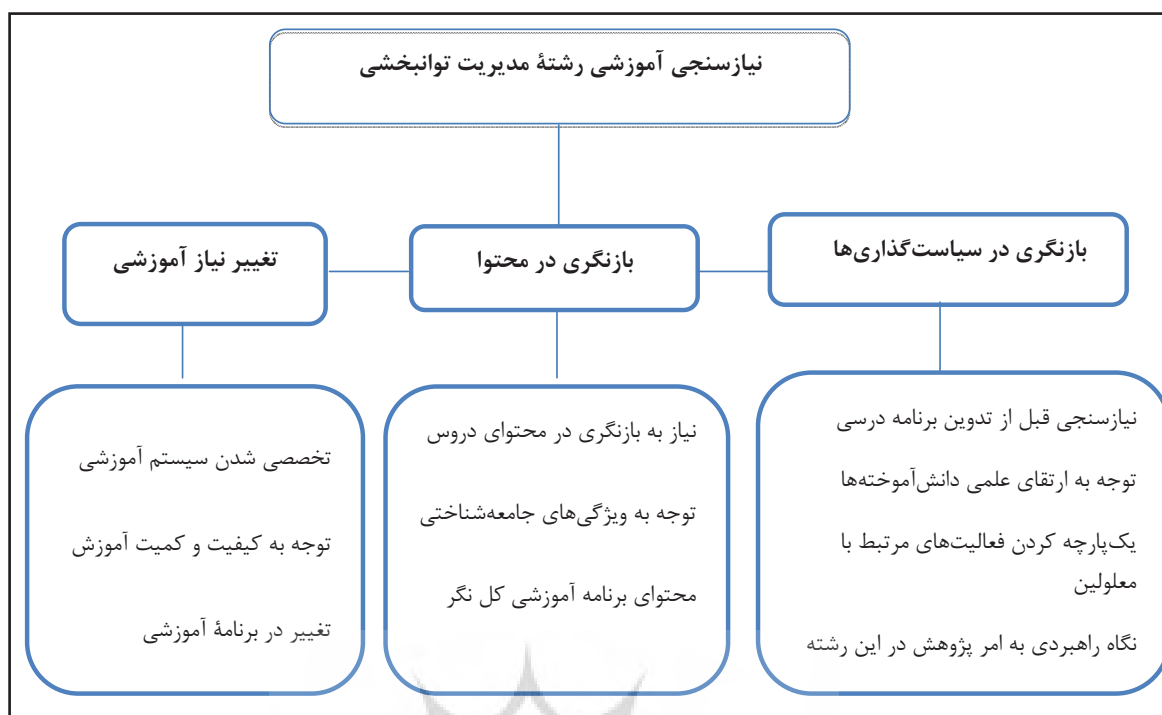
درصد	فراوانی	متغیر
۴۳	۹	زن
۵۷	۱۲	مرد
۲۹	۶	از ۲۰ تا ۲۵ سال
۴۲	۹	از ۲۶ تا ۳۵ سال
۲۹	۶	از ۳۶ سال به بالا
۲۸	۶	استاد
۵۲	۱۱	دانشجو
۲۰	۴	دانش‌آموخته
۲۷	۳	دو
۲۷	۳	سه
۴۶	۵	چهار و بالاتر
۱۰۰	۶	بیشتر از ۵ سال
۲۴	۵	متوسط
۷۶	۱۶	زیاد

کمبودها و نواقص را نشان داده است. توجه به نقطه‌نظرات دانشجویان در تدوین برنامه‌های درسی می‌تواند نقطه قوت و نقاط ضعف را مشخص کند و نیازسنجی‌ها را برای برنامه‌ریزی‌های آتی شفاف و مشخص نماید و توجه به هدف رشته در تعیین تعداد و نوع واحدها از جمله دغدغه‌هایی بوده که توسط مشارکت‌کننده‌ها اشاره شد. همچنین از دیدگاه مشارکت‌کنندگان نبود دوره دکترای در رشته مدیریت توانبخشی به عنوان یک حلقه مفقوده در مسیر پیش روی

یافته‌های این پژوهش شامل سه تم اصلی بازنگری در سیاست‌گذاری، بازنگری در محتوا و تغییر نیاز آموزشی بود.

بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها

یکی از مضامین به دست آمده در این پژوهش بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها بود. به عقیده مشارکت‌کنندگان در پژوهش یکی از مهم‌ترین عوامل در نیازسنجی برنامه درسی توجه به نیازهای دانشجویان می‌باشد. سیاست‌گذاری در این حوزه نیاز به جبران



شکل ۱. روند تشکیل طبقات از زیرطبقات

واحدهای ارائه شده را با توجه به نیاز و سرفصل‌ها جهت غنی‌تر شدن ادغام کرد. گستردگی مباحث در این رشته همراه با سطحی بودن آن واحد در حوزه مشخص شده نیز یکی از چالش‌هایی می‌باشد که به آن اشاره شده است و از موانع تخصصی شدن رشته می‌باشد. تعداد واحدها از دید مشارکت‌کننده مناسب بوده ولی از نظر کیفیت نتوانسته توقعات را برآورده کند و نداشتن کیفیت مناسب در محتوای ارائه شده در این رشته دغدغه مشارکت‌کنندگان است:

«بله تعداد طبق استاندارد تعریف شده است اما محتوا کیفیت مناسب را ندارد که جا دارد بهتر شود خصوصاً واحدهای مربوط به بخش توانبخشی» (مشارکت‌کننده ۹)

تکراری بودن برخی واحدها در سرفصل‌های دروس در این مقطع باعث کسالت و کاهش انگیزش دانشجویان شده است که یکی از مشارکت‌کننده‌ها این مطلب را به صورت زیر بیان می‌کند. «در تمام واحدها به یکسری موارد مشابه و تکراری اشاره شده که منجر به خستگی و بی‌انگیزگی دانشجویان می‌شود، بهتر است واحدهای مشابه در هم ادغام شوند» (مشارکت‌کننده ۳)

تغییر نیاز آموزشی

در رشته مدیریت توانبخشی آموزش باید به سمت تخصصی شدن

فارغ‌التحصیلان می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان نمودند که: «مورد مهم‌تر این که مقطع دکتری رشته مدیریت توانبخشی آورده شود که این نقطه عطفی برای گسترش رشته در کشور می‌باشد» (مشارکت‌کننده ۵)

یکی از مشارکت‌کنندگان به وجود تولیدات‌های چندگانه در امر مربوط به فعالیت‌های مرتبط با معلولان با جمله زیر اشاره می‌کند: «به نظر من این محتوا به‌طور کامل نتوانسته به نیاز پاسخ بدهد و دلیل این است که اگرچه مطالب ممکن است در برخی دروس کافی باشند ولی عدم وجود یک سیستم مدیریتی مناسب در سطح استان و یا حتی کشور و به‌وجود آمدن تولید چندگانه در جهت حل امور مربوط به معلولین شده است» (مشارکت‌کننده ۲)

وجود متولی مناسب و معتبر می‌تواند خدمات ارائه شده را در دسترس افراد و گیرندگان واقعی خدمات توانبخشی قرار دهد که سیاست‌گذاری مناسب در این حیطه ضروری است.

نیاز به بازنگری در محتوا

از منظر مشارکت‌کننده‌ها محتوای ارائه شده در مقطع کارشناسی ارشد این رشته باید تغییر کند تا بتواند جوابگوی نیازهای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان باشد. طبق گفته مشارکت‌کنندگان می‌توان برخی

جهت پربارتر شدن هر چه بیشتر آموزش در این رشته حضور در مرکز مرتبط با توانبخشی ضروری می‌باشد و می‌تواند آموزش را در راستای اهداف هدایت کند. این حضور می‌تواند دانشجویان را در فضای محیط‌های عملی توانبخشی هر چه بیشتر آماده کرده و آن‌ها را برای ورود هر چه پربارتر آماده کند.

«توصیه اکید من بر این است که آموزش دانشجویان این مقطع در فیلد صورت بگیرد تا نتایج پرباری برای جامعه توانبخشی به ارمغان آورند.» (مشارکت‌کننده ۳)

توجه به واحدهای کارآموزی در این رشته بسیار مهم و تأثیرگذار بوده و توسط مشارکت‌کننده‌ها اشاره شده است. با توجه به این مطلب که دانشجویان ورودی در رشته مدیریت توانبخشی از رشته‌های دیگر به این رشته وارد می‌شوند وجود واحدهای کارآموزی می‌تواند آن‌ها را برای حضور در فیلد آماده‌تر کند.

«مهم‌ترین کمبودی که اکثر بچه‌ها و خود من احساس کردیم همان کمبود دروس عملی بود و کمبود واحدهای کارورزی که همان‌طور که عرض کردم در واقع خیلی از بچه‌ها بیس‌شان اصلاً توانبخشی نیست باید آشنایی با مراکز، بازدید از مراکز، واحدهای مربوط به کیس‌های مرتبط با توانبخشی رو در برنامه درسی آموزشی مان قرار می‌دادند.» (مشارکت‌کننده ۱۳)

«مهم‌ترین کمبودی که اکثر دانشجویان هم‌دوره و خود من احساس کردیم، کمبود دروس عملی و واحدهای کارورزی بود. همان‌طور که عرض کردم در واقع خیلی از دانشجویان رشته اولیه‌شان اصلاً توانبخشی نیست و باید آشنایی با مراکز، بازدید از مراکز و واحدهای مرتبط با کیس‌های توانبخشی را در برنامه درسی آموزشی ما قرار می‌دادند.» (مشارکت‌کننده ۱۳)

بحث

در این پژوهش یکی از طبقات اصلی به دست آمده، بازنگری سیاست‌گذاری بود. طبقه اصلی بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها شامل زیرطبقاتی مانند نیازسنجی قبل از تدوین برنامه درسی، توجه به ارتقای علمی دانش‌آموخته‌ها، یکپارچه کردن فعالیت‌های مرتبط با معلولین، نگاه راهبردی به امر پژوهش در این رشته و لزوم بازتعریف چرایی وجود رشته بود. بنا بر اظهار شرکت‌کنندگان باید به نیازهای

پیش‌برود و این تخصصی شدن در راستای اهداف رشته و نیازهای آموزشی فراگیران باشد و دروسی که تخصصی نمی‌باشند یا هم‌راستا با اهداف این دوره آموزشی نبوده نیز در برنامه درسی استفاده نشود. توجه به تخصصی شدن واحدها هم در مباحث کارآموزی و هم در مباحث تئوریک می‌تواند در راستای ارتقای رشته تأثیرگذار باشد. «به نظر من واحد آنالیز سیستم اگر واقعاً بخواهد خوب اجرا بشود باید تعداد واحدهای کارآموزی و عملی و تئوریش بیشتر بشود و تخصصی هم باشد مثلاً ما بیاییم یک واحد مثال می‌زنم برای آنالیز فیزیوتراپی یا یک واحد آنالیز رشته‌های دیگر، علاوه بر این واحدهای کارآموزی که اگر تخصصی شوند مثلاً من بر اساس این که کسی که در آینده می‌خواهد برود مدیریت مرکز فیزیوتراپی رو بر عهده بگیره یک واحد کارآموزی تخصصی جدا در نظر گرفته بشود یعنی اگر به نظر من این مدیریت توانبخشی در مجموع از حالت عام جدا بشود و تخصصی بشود» (مشارکت‌کننده ۱)

«به نظر من واحد آنالیز سیستم اگر بخواهد خوب اجرا شود، باید تعداد واحدهای کارآموزی و عملی و تئوری آن بیشتر بشود و تخصصی هم باشد، به عنوان مثال برای واحد آنالیز فیزیوتراپی یا یک واحد آنالیز رشته‌های دیگر. علاوه بر این بهتر است واحدهای کارآموزی تخصصی شوند، مثلاً برای کسی که در آینده تصمیم دارد مدیریت یک مرکز فیزیوتراپی را بر عهده بگیرد، یک واحد کارآموزی تخصصی جدا در نظر گرفته بشود یعنی به نظر من اگر مدیریت توانبخشی در مجموع از حالت عام جدا بشود و تخصصی شود بهتر است» (مشارکت‌کننده ۱)

رشته برای پیشرفت نیاز به تخصصی شدن دارد و با توجه به حضور گرایش‌ها و رشته‌هایی با عناوین مختلف در این دوره آموزشی توجه به این مطلب از ضروریات می‌باشد.

«اگر می‌خواهیم دانشجویانمون از همه رشته‌ها باشند و در نهایت یک متخصص توانبخشی تربیت کنیم، واحدهای توانبخشی که نیاز هست باید خیلی بیشتر از این و تخصصی‌تر و با کیفیت‌تر بشوند.» (مشارکت‌کننده ۵)

«اگر می‌خواهیم از همه رشته‌ها دانشجو داشته باشیم و در نهایت یک متخصص توانبخشی تربیت کنیم، هم تعداد واحدهای توانبخشی باید بیشتر شود، هم تخصصی‌تر و با کیفیت‌تر بشوند» (مشارکت‌کننده ۵)

بودن واحد اصول فلسفه تعلیم و تربیت تأکید داشتند. ۹۰ درصد در مورد نبود واحد زبان انگلیسی هم عقیده بودند و ۷۵ درصد این مورد را بیان کردند که اصول و روش‌های ارزشیابی و روانشناسی تئوری‌های یادگیری تکراری است. نیمی از آنان قوی نبودن واحد کامپیوتر را اعلام کردند و کاربردی‌تر شدن واحد آمار و هم‌چنین افزایش وزن واحد درس نقد و بررسی پژوهش‌های پرستاری را پیشنهاد دادند (۶).

در پژوهش حاضر مفهوم تغییر در نیاز آموزشی، از زیرطبقاتی مانند «تخصصی شدن سیستم آموزشی» و «توجه به کیفیت آموزش» و «تغییر در برنامه آموزشی» حاصل شد که شرکت‌کنندگان هر دو دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و علوم پزشکی ایران از شیوه تدریس برخی اساتید که هم‌چنان مانند روش‌های سنتی بود، ابراز نارضایتی کردند و بر ضرورت ارتقای سواد علمی برخی اساتید و افزایش انگیزه آن‌ها برای تدریس و ضرورت وجود اساتید مرتبط‌تر با رشته مدیریت توانبخشی و نیز بر داشتن نگاه مناسب‌تر برای تدریس تأکید داشتند. هم‌چنین برخی شرکت‌کنندگان به صورت اختصاصی‌تر در مورد اساتید دروس مختلف اظهار نظر کردند که در کل در مورد درس جامعه‌شناسی توانبخشی پیشنهاد کردند که استاد آن بیشتر با مفهوم اصلی درس آشنا باشد تا بتواند اهداف تعیین شده واحد درسی را تحقق بخشد که این در واحد جامعه‌شناسی توانبخشی می‌تواند به جدید بودن عنوان واحد برگردد که هنوز این مفهوم برای اکثر افراد متخصص در توانبخشی نیز ناآشناست و منبع معتبری در این زمینه وجود ندارد و لازمه یک تدریس خوب و اثربخش تسلط کامل بر مبحث آموزشی است که در این واحد هنوز مفهوم اصلی که همان جامعه‌شناسی توانبخشی است، کمی مبهم به نظر می‌رسد. تدریس به عنوان یک وظیفه پیچیده و پرمسئولیت از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی بوده است. هنر تدریس ارتباط دهنده نیازهای دانشجو برای یادگیری است (۹). در دهه‌های اخیر، لزوم تجدید نظر در روش‌های سنتی تدریس و استفاده از روش‌های نوین و فعال یادگیری و دانشجو محور از سوی سیستم‌های آموزشی، احساس شده و کاربرد این روش‌ها در علوم مختلف از جمله علوم پزشکی متداول شده است. آموزش به روش دانشجو محور می‌تواند منجر به افزایش میزان رضایت‌مندی دانشجویان، تسریع در امر

دانشجویان و گیرندگان خدمت توجه کرد و هم‌چنین تعداد واحدها با توجه به هدف رشته در تربیت دانشجویان ممکن است نیاز به تغییر داشته باشد و سیاست‌گذاری در این رشته به طور دقیق انجام شود. توجه به نقطه نظرات دانشجویان در تدوین برنامه‌های درسی می‌تواند نقطه قوت و نقاط ضعف را مشخص کند و نیازسنجی‌ها را برای برنامه‌ریزی‌های آتی شفاف و مشخص نماید.

در پژوهشی که لی^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در دانشگاه کالیفرنیا با عنوان «برنامه آموزشی طب اورژانس: نظرات اساتید و دانشجویان بالینی در یک نیازسنجی رسمی متفاوت است» انجام دادند، ۱۵ کارگاه در مورد طب اورژانس با حضور ۴۸ دانشجوی پزشکی و ۱۵ عضو هیئت علمی تشکیل شد. نتیجه را می‌توان چنین توضیح داد که نیازهای احساس شده اساتید و دانشجویان در مورد طب اورژانس متفاوت است و ضرورت دارد که در طراحی برنامه آموزشی، نیازهای احساس شده دانشجویان نیز لحاظ شود (۸). هم‌چنین دلیل پیشنهاد کاهش ضرایب برخی دروس که شرکت‌کنندگان مطرح کردند، می‌تواند این باشد که این واحدها مطالب کاربردی را ارائه نمی‌دهند و یا مطالب به گونه‌ای مطرح شده است که یادگیرنده، آموختن این مبحث را بی‌فایده می‌داند و دلیل دیگر می‌تواند این باشد که مطالبی که دانشجویان برای منبع آزمون کارشناسی ارشد مطالعه کرده‌اند، به صورت تکراری در کلاس درس مطرح می‌شود و دوباره کاری اتفاق می‌افتد و یا اینکه مبحث آموزشی تکرار مطالب آموخته شده در مقطع کارشناسی می‌باشد. دروس تکنولوژی توانبخشی و پویایی گروه و توانبخشی مبتنی بر جامعه از جمله این دروس بودند که پیشنهاد می‌شود در محتوای آن‌ها تجدیدنظر گردد و مطالبی آموزش داده شود که نیاز یک دانشجوی مدیریت توانبخشی را برطرف سازد.

در پژوهش مشابه دیگری که توسط فراهانی و همکاران (۱۳۸۵) در کلیه دانشگاه‌های تهران با عنوان «نظرات دانشجویان دکتری پرستاری در مورد برنامه آموزشی دوره تحصیلی خود» انجام شد، نظرات دانشجویان در مورد واحدهای برنامه آموزشی خود، این‌گونه بود که واحدی که مشکلات پرستاری همراه با راه‌حل آن را ارائه دهد، وجود ندارد و هم‌چنین در مورد واحد نظریه‌های پرستاری بیان کردند که مفهوم اصلی را آموزش نمی‌دهد. اکثریت شرکت‌کنندگان بر کم

1. Lee

یادگیری، ایجاد مهارت‌های حل مسئله و تداوم یادگیری و تفکر انتقادی گردد (۱۰).

در رابطه با واحد تکنولوژی توانبخشی نیز می‌توان چنین توضیح داد که این درس مطلب چندانی برای تدریس ندارد و می‌توان آن را خلاصه نمود و در حد یک واحد به دانشجویان ارائه داد. هم‌چنین در مورد مدرس درس اصول توانبخشی نیز پیشنهاد شد که روش تدریس وی به‌روزتر شود و مطالب با هیجان بیشتری به دانشجویان تدریس شود. عدم به‌کارگیری امکانات آموزشی مناسب و ریتم بدون تغییر صدای آموزش‌دهنده، ذوق یادگیری را از آموزش‌گیرنده می‌گیرد و احساس بی‌پهلو بودن مطلب آموزشی به وی دست می‌دهد، هرچند هم که آن مطلب مهم و تأثیرگذار باشد. آموزش مؤثر به استفاده صحیح از مهارت‌های ارتباطی بستگی دارد. اساتید با استفاده از دانسته‌های خود و به‌کارگیری متون و مهارت‌های تدریس و ایجاد محیط مناسب، موجب یادگیری بهتر دانشجویان می‌شوند. خصوصیات یک استاد است که می‌تواند موجب تسهیل فرآیند آموزش شده و حتی نقص کتب درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباطی مطلوب به محیطی غیرفعال و غیر جذاب تبدیل نماید (۱۱).

در پژوهش حاضر نیز به مبحث شیوه تدریس اشاره شد که چنین بود: دانشجویان شیوه تدریس اساتید را برای این مقطع ضعیف ارزیابی کردند. در پژوهش حاضر می‌توان در رابطه با توضیح تدریس کاربردی‌تر چنین گفت که صرف یادگیری مطالب تئوری، شخص را در انجام کار توانا نخواهد کرد و مدیریت نیز یک کار عملی است که تئوری‌های مدیریت پیش‌زمینه آن است و مهارت مدیریتی هم بهتر است به صورت عملی تدریس شود نه به صورت تئوری که در رشته مدیریت توانبخشی حضور آموزش مهارتی بسیار کم‌رنگ است.

در پژوهش دیگری که زارعیان و همکاران (۱۳۸۴) در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «نیازسنجی یادگیری در دوره کارشناسی پرستاری» انجام دادند، از تحلیل متون مصاحبه‌ها در نهایت به پنج مفهوم اصلی دست یافتند: معلم-پرستاری، برنامه آموزشی، امکانات محیطی و اجتماعی، مدیریت آموزشی و فراگیر. طبقه معلم-پرستاری

شامل شش زیرطبقه نیاز به تغییر در روش تدریس معلم، ارتباط غیر مؤثر مربی و دانشجو، نیاز به افزایش تبحر بالینی مربی، نیاز به حمایت و نظارت مربی پرستاری و نیاز به برقراری نظام ارزشیابی مناسب در تئوری و بالین می‌باشد (۱۲).

پژوهش حاضر بر اساس نیازهای دانشجویان و دانش‌آموختگان صورت گرفت و یکی از این نیازها تغییر در بعضی از محتواهای آموزشی واحدهای درسی می‌باشد. این طبقه اصلی از جمع‌بندی زیرطبقاتی مانند «نیاز به بازنگری در محتوا» و «توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی» و «محتوای برنامه آموزشی کل‌نگر» حاصل شد. شرکت‌کنندگان بیشترین نیاز خود را به آموختن نحوه مدیریت در سازمان‌های توانبخشی و یادگیری مباحث مدیریتی بیان کردند. به نظر پژوهشگر به این دلیل که رشته مقطع کارشناسی این دانشجویان، متفاوت از رشته مقطع کارشناسی ارشد آن‌هاست و تاکنون نیز مطالب مدیریتی را فرا نگرفته‌اند، لذا نیاز است که به صورت گسترده‌تر به آموزش این مباحث پرداخته شود. هم‌چنین شرکت‌کنندگان کمترین نیاز خود را به مطالب موجود در واحدهای مبانی مدیریت و اصول توانبخشی مطرح کردند. به نظر پژوهشگر علت احتمالی این موضوع می‌تواند این باشد که مطالب آموزشی این درس، تکرار منبع آزمون کارشناسی ارشد بود و پیشنهاد می‌گردد در این واحدها به جای تکرار مطالب، به آموزش مطالب مدیریتی جدید پرداخته شود تا بخشی از نیاز فراگیران در این واحد برطرف شود.

در پژوهش دیگری که گونس^۱ و همکاران در سال ۲۰۰۹ در ترکیه با عنوان «ارزیابی علم و تکنولوژی برنامه بر طبق نظر دانش‌آموزان» انجام داد، ۱۳۳۸ دانش‌آموز نظرات خود را در مورد برنامه آموزشی مطرح کردند. این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه انجام شد و علاوه بر آن برخی از شرکت‌کنندگان تجارب خود را به صورت شفاهی مطرح کردند که این تجارب نیز در بررسی‌ها در نظر گرفته شد. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌کنندگان از محتوای برنامه آموزشی رضایت داشتند اما اظهار داشتند که برخی از مطالب کاربردی نیست و آنان نمی‌توانند دانش خود را در آن زمینه به کار ببرند و به همین دلیل کم‌کم مطالب آموخته شده را فراموش می‌کنند. آنان هم‌چنین بر ضرورت تدریس به شکل مناسب تأکید

1. Gunes

شده در منبع آزمون کارشناسی ارشد از لیست مطالب آموزشی حذف شود. در نهایت می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین نیاز فراگیران مشخص شدن جایگاه شغلی آنان است. نکته دیگری که می‌توان از نتایج پژوهش به دست آورد، پایین بودن کیفیت آموزش است که ضرورت دارد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی، به این موارد توجه خاص داشته باشند تا موجبات ارتقای کیفیت آموزشی فراهم گردد. از محدودیت‌های این پژوهش به مواردی هم چون عدم شناخت کافی از برنامه درسی توسط شرکت‌کنندگان و پاسخ به سؤالات تحت تأثیر عوامل محیطی و هم‌چنین وجود تورش یادآوری می‌توان اشاره نمود.

سپاس‌گزاری

این مقاله منتج از طرح پژوهشی مصوب در کمیته تحقیقات دانشگاه علوم بهزیستی بوده، ضمن تشکر از مسئولین محترم دانشگاه، بدین‌وسیله از تمامی دانشجویان، دانش‌آموختگان و اساتید مشارکت‌کننده در مطالعه حاضر صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. **تعارض منافع:** این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی با فرد یا سازمانی نداشته و بین نویسندگان نیز هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

References

1. Yousefy A, Hasanzahrae R, Ehsanpour S. Accreditation in Higher Education and Medical Education. Iranian Journal of Medical Education. 2000;1(2):43-9.
2. Saidi M, Ahanchian N. Theoretical And Experimental Comparison (Practical) of the Whole and the Part Perception Approaches of Education Need Assessment (Case: Khorasan Electricity Company). Studies in Education and Psychology. 2007;8(1):155-78.
3. Karimi S, Javadi M, Yaghoobi M, Fathalizade S, Molayi M. Need assessment of continuing professional education of health care management graduates, working in the Medical University of Isfahan & related health centers. Health information management 2011;1(17):61-70.
4. Jahanbakhsh M, Setayesh H. Educational Needs of Medical Records Practitioners in Isfahan Teaching Hospitals. Iranian Journal of Medical Education. 2011;10(5):962-71.
5. Asgari H, Kheirmand M, Yarmohmdian M, Rohani M, Ansari Pour S. Training Needs Assessment of Health Care Providers (Behvarzan) Working in Health Networks in Isfahan Province. Iranian Journal of Medical Education. 2011;10(5):668-74.
6. Farahani M, Ahmadi F. Doctoral Nursing Students'

داشتند و بیان کردند که بر روند یادگیری تأثیر زیاد دارد (۱۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به اهداف پژوهش که «تعیین نیاز تأمین شده و تأمین نشده برنامه آموزشی در اساتید، دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مدیریت توانبخشی» می‌باشد، در این پژوهش نیاز تأمین نشده دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مربوط به واحدهای مدیریت توانبخشی، کارآموزی، اصول توانبخشی، مبانی مدیریت، رویکردهای خدمات توانبخشی، پویایی گروه و جامعه‌شناسی توانبخشی ذکر شده است و هم‌چنین روش تدریس اساتید و شیوه آموزشی مطالب به گونه‌ای بوده است که مانع از تحقق نیاز آموزشی آنان شده است؛ اما در مورد مطالب توانبخشی مطرح شده و دروس روانشناسی معلولین و مشاوره توانبخشی رضایت آنان حاصل شده بود. هم‌چنین راجع به «تعیین واحدهای ضروری و غیرضروری در رفع نیاز آموزشی اساتید، دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مدیریت توانبخشی» می‌باشد، می‌توان چنین اظهارنظر کرد که پیشنهاد می‌شود واحدهای مربوط به مطالب علمی و مسائل روز توانبخشی جهان و ایران و نکته‌ها و مهارت‌های مدیریتی با نظر اساتید و سیاست‌گذاران حوزه آموزش افزایش یابد و بخش‌های بسیار پیشرفته آماری و مباحث مطرح

- Viewpoints about the Nursing PhD Curriculum. Iranian Journal of Medical Education. 2006;6(1):83-92.
7. Graneheim UH, Lundman B. Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. Nurse Education Today. 2004;24(2):105-12.
8. Lee C, Uijtdehaage S, Coates WC. Emergency Medicine Interest Group Curriculum: Faculty and Preclinical Student Opinions Differ in a Formal Needs Assessment. The Journal of Emergency Medicine. 2011;40(2):218-24.
9. Darvish Ghadimi F, Roudbari M. Teaching Styles of Faculty Members in Schools Affiliated with Iran University of Medical Sciences. Iranian Journal of Medical Education. 2012;11(8):917-25.
10. Safari M, Yazdanpanah B, Ghafarian HR, Yazdanpanah S. Comparing the Effect of Lecture and Discussion Methods on Students' Learning and Satisfaction. Iranian Journal of Medical Education. 2006;6(1):59-64.
11. Ghadami A, Salehi B, Sajadi S, Naji H. Students' Points of View Regarding Effective Factors in Establishing Communication between Students and Faculty Members. Iranian Journal of Medical Education. 2007;7(1):149-54.

12.Zareyan Jahromi A, Ahmadi F. Learning Needs Assessment in Bachelor of Nursing: a Qualitative Research. Iranian Journal of Medical Education. 2005;5(2):81-92.

13.Güneş T, Dilek NŞ. Evaluation of science and technology program according to students' opinions. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2009;1(1):1396-401.

